



دانشکده الهیات

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته : فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

تحلیل و نقد دلایل غزالی در تکفیر ابن سینا

استاد راهنما:

دکتر محمد جواد رضایی ره

استاد مشاور:

دکتر بهجت واحدی

دانشجو :

مریم باقری

اسفند ۸۸

## تقدیم

به پاس رنجهایی که مادرم عاشقانه به جان خرید تا بتوانم در آغوش مهربانی اش با آرامش زندگی را تجربه کنم، این اثر را از طرف او به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج)، برپادارنده‌ی بیرق حق و عدالت در زمین، تقدیم می‌کنم.

## تقدیر

خداوند بزرگ را می‌ستایم که یاری کرد تا بتوانم از ضیافت ازلی و ابدی نعمت بخشی او تمتعی نصیب خود گردانم و این رساله را بنگارم. پس از سپاسگذاری از او، فرصت را غنیمت می‌شمارم تا از کسانی که در تهیه‌ی این اثر مرا یاری کرده‌اند تقدیر کنم:

از آقای دکتر رضایی ره و خانم دکتر واحدی که زحمت راهنمایی و مشاوره‌ی بنده بر عهده‌ی ایشان بوده است و حق بزرگی بر من دارند.

از دیگر اساتیدی که در طول دوران تحصیل در رشته‌ی فلسفه پشت میز شاگردیشان نشسته‌ام، به ویژه آقای دکتر رسولی پور که به حق مدیون ایشان هستم.

از پدر و مادر مهربانم و همچنین همسر و دختر عزیزم و دوستان خوبم که با دلسوزی و صبوری همواره یار و همراه من بوده‌اند.

## چکیده

غزالی در کتاب *تهافت الفلاسفه* نظریات و دلایل فیلسوفان مشایی در اثبات قدم عالم و علم کلی خداوند به جزئیات و انکار معاد جسمانی را نقل و نقد کرده است. او در کتاب مذکور دو هدف را دنبال کرده است؛ یکی اثبات تناقض گویی فیلسوفان و نادرستی و ضعف استدلالهای آنها در اثبات مدعای خویش و دیگری اثبات کفر آنان به مجرد داشتن چنین اعتقاداتی. با مطالعه‌ی کتب ابن سینا، که غزالی او را به عنوان نماینده‌ی فیلسوفان مشایی انتخاب کرده و در کتاب خود مشخصاً آرا و آثار او را نقد کرده، و همچنین مطالعه‌ی کتاب *تهافت الفلاسفه* و دیگر تألیفات غزالی می‌توان فهمید که غزالی مطالب فلاسفه را به درستی درک نکرده و در نقل مطالب آنها جانب امانتداری را نگرفته است، بنابراین نه استدلالهای او برای اثبات تناقض گویی فیلسوفان تمام است؛ نه لازمه‌ی عقاید فلاسفه خروج از دایره‌ی ایمان است. علاوه بر این، با مطالعه و تحلیل عقاید غزالی معلوم می‌گردد که هم مطابق تعریف و تحلیل او از ایمان اتهام کفر به فیلسوفان وارد نیست و هم عقاید او متناقض و مستلزم نتیجه‌ای است که او آن را جواز تکفیر فیلسوفان می‌داند.

عوامل مختلفی سبب شده که غزالی از درک منظور ابن سینا از قدم زمانی عالم و حدوث ذاتی آن، و همچنین علم شامل و فراگیر و در عین حال ثابت خداوند ناتوان باشد. او در اثبات انکار معاد جسمانی از سوی ابن سینا، تنها مطالبی را ذکر می‌کند که بتواند از آنها در اثبات ادعای خود سود ببرد؛ درحالی‌که ابن سینا در دو دسته از آثار خود دو دیدگاه کاملاً متفاوت درباره‌ی معاد جسمانی ارائه داده است. نادیده گرفتن رأی ابن سینا مبنی بر قبول تقلیدی معاد جسمانی در دو اثر مهم فلسفی او، مصداق عدول از انصاف و امانت است.

غزالی ایمان را از سنخ تصدیق قلبی در برابر خداوند می‌داند. با چنین اعتقادی و با تصریح او به قبول ایمان شخصی که در زبان به وحدت خداوند و پیامبری محمد (ص) گواهی می‌دهد، و با اثبات اینکه استدلالهای او مثبت ادعای او نیستند، غزالی مجوزی برای تکفیر فلاسفه ندارد.

### واژگان کلیدی

ازلیت و ابدیت، حدوث، قدم، علم خداوند، معاد جسمانی، ابن سینا، غزالی.

# فهرست مطالب

۱	<b>فصل اول: کلیات</b>
۱	۱. مقدمه
۴	۲. تعریف مسأله و بیان سؤال های اصلی تحقیق
۵	۳. سابقه و ضرورت انجام تحقیق
۷	۴. فرضیه ها
۸	۵. اهداف تحقیق
۸	۶. جنبه ی جدید بودن و نوآوری طرح
۸	۷. روش انجام تحقیق
۱۰	<b>فصل دوم: اختلاف غزالی با ابن سینا در مسائل سه گانه</b>
۱۰	۱. اختلاف غزالی با ابن سینا در قدم عالم
۱۰	۱-۱. مقدمه
۱۱	۲-۱. دیدگاه ابن سینا درباره ی قدم عالم
۱۵	۳-۱. نقدهای غزالی بر نظریه ی قدم عالم و سنجش آنها
۱۵	۱-۳-۱. نقدهای غزالی بر دلایل فلاسفه در نظریه ی قدم عالم
۱۶	۱-۳-۱-۱. نقدهای غزالی بر دلیل اول فلاسفه بر قدم عالم و سنجش آنها
۱۶	۱-۳-۱-۱-۱. گزارش غزالی از دلیل اول فلاسفه بر قدم عالم

- ۱۶ ۲-۱-۱-۳-۱. نقدهای غزالی بر دلیل اول فلاسفه بر قدم عالم
- ۱۶ الف) دلیل اول غزالی بر رد نظریه‌ی قدم عالم
- ۱۷ الف-۱) اعتراض اول به امتناع ترجیح بدون مرجح
- ۱۸ الف-۲) اعتراض دوم به امتناع ترجیح بدون مرجح
- ۱۸ ب) دلیل دوم غزالی بر رد نظریه‌ی قدم عالم
- ۱۹ ۳-۱-۱-۳-۱. سنجش نقدهای غزالی بر دلیل اول فلاسفه بر قدم عالم
- ۱۹ الف) سنجش دلیل اول غزالی بر رد نظریه‌ی قدم عالم
- ۲۳ الف-۱) سنجش اعتراض اول به امتناع ترجیح بدون مرجح
- ۲۴ الف-۲) سنجش اعتراض دوم به امتناع ترجیح بدون مرجح
- ۲۶ ب) سنجش دلیل دوم غزالی بر رد نظریه‌ی قدم عالم
- ۲۹ ۲-۱-۳-۱. نقدهای غزالی بر دلیل دوم فلاسفه بر قدم عالم و سنجش آنها
- ۲۹ ۱-۳-۱-۲-۱. گزارش غزالی از دلیل دوم فلاسفه بر قدم عالم
- ۲۹ الف) دلیل اول فلاسفه در الزام قدم زمان
- ۳۰ ب) دلیل دوم فلاسفه در الزام قدم زمان
- ۳۰ ۲-۲-۱-۳-۱. نقدهای غزالی بر دلیل دوم فلاسفه بر قدم عالم
- ۳۰ الف) نقد دلیل اول فلاسفه در الزام قدم زمان
- ۳۱ ب) نقد دلیل دوم فلاسفه در الزام قدم زمان
- ۳۲ ۳-۲-۱-۳-۱. سنجش نقدهای غزالی بر دلیل دوم فلاسفه بر قدم عالم
- ۳۲ الف) سنجش نقد غزالی بر دلیل اول فلاسفه در الزام قدم زمان

- ۳۳ ب) سنجش نقد غزالی بر دلیل دوم فلاسفه در الزام قدم زمان
- ۳۵ ۳-۱-۳. نقد غزالی بر دلیل سوم فلاسفه بر قدم عالم و سنجش آن
- ۳۵ ۱-۳-۱-۳. گزارش غزالی از دلیل سوم فلاسفه بر قدم عالم
- ۳۶ ۲-۳-۱-۳. نقد غزالی بر دلیل سوم فلاسفه بر قدم عالم
- ۳۶ ۳-۳-۱-۳. سنجش نقد غزالی بر دلیل سوم فلاسفه بر قدم عالم
- ۳۷ ۴-۱-۳-۱. نقدهای غزالی بر دلیل چهارم فلاسفه بر قدم عالم و سنجش آنها
- ۳۸ ۱-۴-۱-۳-۱. گزارش غزالی از دلیل چهارم فلاسفه بر قدم عالم
- ۳۸ ۲-۴-۱-۳-۱. نقدهای غزالی بر دلیل چهارم فلاسفه بر قدم عالم
- ۳۹ ۳-۴-۱-۳-۱. سنجش نقدهای غزالی بر دلیل چهارم فلاسفه بر قدم عالم
- ۴۱ ۲-۳-۱. دلیل غزالی بر محال بودن قدم عالم و سنجش آن
- ۴۱ ۱-۲-۳-۱. دلیل غزالی بر محال بودن قدم عالم
- ۴۲ ۲-۲-۳-۱. سنجش دلیل غزالی بر محال بودن قدم عالم
- ۴۵ ۳-۳-۱. نقد غزالی بر فلاسفه در مسئله‌ی ملاک نیاز عالم و سنجش آن
- ۴۵ ۱-۳-۳-۱. نقد غزالی بر فلاسفه در مسئله‌ی ملاک نیاز عالم به فاعل
- ۴۶ ۲-۳-۳-۱. سنجش نقد غزالی بر فلاسفه در مسئله‌ی ملاک نیاز عالم
- ۵۰ ۴-۳-۱. دیدگاه غزالی درباره‌ی لوازم اعتقاد به قدم عالم و سنجش آن
- ۵۰ ۱-۴-۳-۱. دیدگاه غزالی درباره‌ی لوازم اعتقاد به قدم عالم
- ۵۵ ۲-۴-۳-۱. سنجش دیدگاه غزالی درباره‌ی لوازم اعتقاد به قدم عالم
- ۵۹ ۲. اختلاف غزالی با ابن سینا در علم خداوند به جزئیات

- ۶۰ ۱-۲. مقدمه
- ۶۰ ۲-۲. دیدگاه ابن سینا درباره‌ی علم خداوند به جزئیات
- ۶۱ ۱-۲-۲. علم خداوند به غیر
- ۶۲ ۲-۲-۲. علم خداوند به جزئیات
- ۶۴ ۳-۲. نقدهای غزالی بر نظریه‌ی ابن سینا در مسئله‌ی علم خداوند و سنجش آنها
- ۶۵ ۱-۳-۲. گزارش غزالی از نظریه‌ی علم خداوند به جزئیات به نحو کلی
- ۶۶ ۲-۳-۲. نقدهای غزالی بر نظریه‌ی علم خداوند به جزئیات به نحو کلی
- ۶۲ ۱-۲-۳-۲. اعتراض اول غزالی
- ۶۸ ۲-۲-۳-۲. اعتراض دوم غزالی
- ۶۹ ۳-۳-۲. سنجش نقدهای غزالی بر نظریه‌ی علم خداوند به جزئیات به نحو کلی
- ۷۴ ۱-۳-۳-۲. سنجش اعتراض اول غزالی
- ۷۴ ۲-۳-۳-۲. سنجش اعتراض دوم غزالی
- ۷۸ ۳. اختلاف غزالی با ابن سینا در باب معاد جسمانی
- ۷۸ ۱-۳. مقدمه
- ۷۹ ۲-۳. دیدگاه ابن سینا درباره‌ی معاد جسمانی
- ۸۴ ۳-۳. نقدهای غزالی بر نظریه‌ی ابن سینا در باب معاد جسمانی و سنجش آنها
- ۸۵ ۱-۳-۳. دلیل غزالی بر اثبات معاد جسمانی
- ۸۶ ۲-۳-۳. نقد غزالی بر نظریه‌ی تشبیهی بودن آیات معاد جسمانی
- ۸۷ ۳-۳-۳. گزارش غزالی از دلایل ابن سینا در باب معاد جسمانی



- ۸۷ ۳-۳-۱. گزارش غزالی از دلیل اول ابن سینا در باب معاد جسمانی
- ۸۸ ۳-۳-۲. گزارش غزالی از دلیل دوم ابن سینا در باب معاد جسمانی
- ۸۸ ۳-۳-۴. نقدهای غزالی بر دلایل ابن سینا در باب معاد جسمانی
- ۸۸ ۳-۳-۴-۱. نقد غزالی بر دلیل اول ابن سینا در باب معاد جسمانی
- ۸۹ ۳-۳-۴-۲. نقد غزالی بر دلیل دوم ابن سینا در باب معاد جسمانی
- ۸۹ ۳-۳-۵. سنجش نقدهای غزالی بر ابن سینا در باب معاد جسمانی

## ۹۵ فصل سوم: دیدگاه غزالی در تکفیر فلاسفه و سنجش آن

- ۹۵ ۱. مقدمه
- ۹۵ ۲. دیدگاه غزالی در تکفیر فلاسفه
- ۹۷ ۳. سنجش دیدگاه غزالی در تکفیر فلاسفه

## ۱۱۱ فصل چهارم: جمع بندی و نتیجه گیری

- ۱۱۸ فهرست منابع

- ۱۲۵ پیوست

# فصل اول

## کلیات

### ۱. مقدمه

یکی از پرحاشیه‌ترین و بحث‌انگیزترین مباحث تاریخ فلسفه، غزالی و تهافت اوست. شخصیت غزالی به دلیل موقعیت اجتماعی، گرایش مذهبی، تغییر اساسی در آرا و شیوه‌ی زندگی و تألیف کتابی همچون *تهافت الفلاسفه* همواره سؤالات زیادی برانگیخته است. درباره‌ی انگیزه‌ی نگارش *تهافت الفلاسفه* نظرات متفاوتی ارائه شده و احتمالات مختلفی در نظر گرفته شده است. بسیاری از کسانی که از غزالی سخن می‌گویند، او را شیفته‌ی قدرت و تسلیم حکومت وقت و منفعل از آن معرفی می‌کنند. انقیاد او نسبت به حکومت و گرایش او به کلام اشعری را، که تحت حمایت حکومت وقت، قدرتمندترین جریان مذهبی آن زمان بوده، انگیزه‌ی نگارش این کتاب می‌دانند و گاه ناپختگی و جوانی غزالی در زمان تألیف کتاب را نیز به عوامل بالا اضافه کرده‌اند.<sup>۱</sup> بعضی گفته‌اند که او از ترس گمراهی مردم در برابر سخنان فلاسفه دست به چنین کاری زده است. حتی احتمال داده‌اند که غزالی ناچار از تقیه بوده است.<sup>۲</sup> احتمال اخیر بسیار بعید به نظر می‌رسد. تلاش غزالی برای روان کردن هر تیری از هر کرانه‌ای به سوی عقاید فلاسفه، به

---

<sup>۱</sup>. آشتیانی در مواضع مختلف از کتاب *نقدی بر تهافت* به بیان انگیزه‌ی نگارش *تهافت الفلاسفه* پرداخته و به عوامل مختلفی اشاره کرده است. از جمله در صفحات ۵۲۷-۵۲۸ و ۱۵ به این موارد اشاره کرده است.

<sup>۲</sup>. ملاصدرا در *مبدأ و معاد* احتمالات مختلفی ذکر می‌کند که از جمله‌ی آنها این دو احتمال است. ملاصدرا، *مبدأ و معاد*:

طوری که گاه ضعف استدلالها و انتقادهای، و اصرار غزالی بر آنها خواننده را آزار می‌دهد، نمی‌تواند مخالفتی از روی ناچاری و برای تقيه باشد.

مقصود این نیست که در این مجال آرا و مباحث مختلف پیرامون این مسئله را بیان یا نقد کنیم؛ بلکه تنها می‌خواهیم به بحث‌انگیز بودن انگیزه‌ی نگارش *تهافت الفلاسفه* اشاره‌ای داشته باشیم.

به گمان نگارنده از میان احتمالات مختلف، انگیزه‌ی غزالی از نوشتن این کتاب تعصب مذهبی، ناپختگی علمی و ناآشنایی با مبانی فلاسفه است. این امر در نتیجه‌ی این غرور علمی که می‌توان بدون استاد و در طول مدت کوتاهی و با مطالعه‌ی تنها چند کتاب از چند فیلسوف و بدون خواندن آثار فیلسوفان دیگر به بیخ و بن فلسفه راه یافت، به وجود آمده است.

به هر صورت انگیزه‌ی غزالی هر چه باشد، کتاب او در تاریخ فلسفه در جهان اسلامی تأثیراتی داشت. عده‌ای این تأثیرات را مخرب فلسفه و عده‌ای سازنده دانسته‌اند. بعضی آن را سبب عقب‌نشینی فلسفه از شرق به غرب جهان اسلام و عده‌ای آن را زمینه‌ساز پیدایش جریانهای فلسفه‌ی اشراق و حکمت متعالیه دانسته‌اند.<sup>۳</sup> به هر حال همه‌ی تأثیرات این اثر به انگیزه‌ی نگارش آن مربوط نیست. بررسی تأثیرات یک امر نیاز به نگاه تاریخی دارد. در دنیای پیچیده‌ای که در آن عوامل مختلف و گاه ظاهراً نامربوط به طور مدام در کنش و واکنش متقابل است، به ویژه آنگاه که پای موجود پیچیده‌ای مثل انسان و روحيات و انگیزه‌ها و افعالش به میان کشیده می‌شود، نمی‌توان به راحتی تأثیرات چیزهای همچون کتاب *تهافت الفلاسفه* را مثبت یا منفی معرفی کرد.

مسلماً این کتاب تأثیراتی در محافل و مباحثات فلسفی داشته است. این نکته را با مطالعه‌ی فهرست کتب، رسالات و مقالاتی که تا کنون در این باره نوشته‌اند می‌توان فهمید. به نظر نگارنده هر نقدی، حتی

---

<sup>۳</sup>. به عنوان مثال، علی اصغر حلبی به بعضی از این تأثیرات اشاره می‌کند. حلبی، *تاریخ فلسفه در ایران و جهان اسلامی*: ۲۹۱

نقدهایی که گفته می‌شود مخرب است، سازنده است. شاید از جهتی مخرب باشد، ولی از جهتی دیگر سازنده است. اگر کسی معتقد باشد که *تهافت الفلاسفه* برای فلسفه و فیلسوفان تنها تأثیرات منفی داشته یا تأثیرات مثبت آن بسیار محدود بوده، در نقد سخن او می‌توان گفت بحث‌ها و نزاعهایی که بر سر این کتاب در گرفته، خود، فلسفه است. حتی عده‌ای خود غزالی را «فیلسوف» ضد فلسفه می‌دانند. (البته نباید از این نکته غافل شد که در این عبارت فلسفه به اشتراک لفظ به کار رفته است. غزالی فیلسوف به معنای عام است و بر ضد فلسفه به معنای خاص آن (مشایی) کتاب نوشته است.) به هر حال بحث درباره‌ی این مطالب، فرصت دیگری می‌طلبد.

غزالی در *تهافت الفلاسفه* به بیست مسئله از مسائل مورد اعتقاد فلاسفه اعتراض می‌کند؛ شانزده مسئله در الهیات و چهار مسئله در طبیعیات. در میان این مسائل، سه مسئله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آن سه مسئله عبارتند از: ابطال قول فیلسوفان در قدم عالم (مسئله‌ی اول)، ابطال قول فیلسوفان در معلوم نبودن جزئیات برای خداوند (مسئله‌ی سیزدهم) و ابطال قول فیلسوفان در انکار معاد جسمانی (مسئله‌ی بیستم). غزالی این عقاید (قدم عالم، انکار علم خداوند به جزئیات و انکار معاد جسمانی) را مخالف -به ترتیب- قدرت مطلق خداوند، علم مطلق و فراگیر خداوند و اخبار شریعت درباره‌ی معاد جسمانی می‌داند، بنابراین معتقد به این عقاید را منکر شریعت (ضروری دین) دانسته و او را تکفیر کرده است. او در هفده مسئله‌ی دیگر فیلسوفان را اهل بدعت شمرده و تکفیر فیلسوفان را از سوی کسی که اهل بدعت را کافر می‌داند، واجب شمرده است؛ ولی خود در این باره سکوت کرده و قائل به کفر فلاسفه در آن مسائل نشده است.

با توجه به ادعای غزالی مبنی بر تکفیر فلاسفه در این سه مسئله، بررسی این مسائل از دو جنبه اهمیت می‌یابد؛ یکی از جهت تحلیل و سنجش استدلالهای غزالی علیه نظریات فلاسفه و استدلالهای آنها

در اثبات ادعای خود، و دیگر از جهت تحلیل و سنجش ادعای غزالی درباره‌ی کفر معتقد به مسائل سه‌گانه‌ی مذکور.

نگارنده‌ی این رساله به پیشنهاد استاد راهنمای خود *تهافت الفلاسفه* را مطالعه کرده و این سه مسئله را به عنوان موضوع بررسی انتخاب کرده است. و با توجه به مشی غزالی در *تهافت الفلاسفه*، بخش معتابهی از متن را به مسئله‌ی قدم اختصاص داده است. البته اهمیت موضوع تحقیق حاضر برای نگارنده بیشتر از جهت ادعای تکفیر فلاسفه و تأثیرات غزالی در تاریخ فلاسفه است؛ چون کسانی غیر از غزالی بوده‌اند که در فلسفه و نقادی قوی‌تر بوده‌اند و انتقادهای قوی‌تر و فلسفی‌تری نسبت به فلاسفه داشته‌اند. ولی به علل مختلفی، که اکنون جای بحث درباره‌ی آنها نیست، به اندازه‌ی غزالی رد یا تأیید نشده‌اند. نگارنده‌ی این سطور از زمان شروع مطالعه درباره‌ی این موضوع تا این لحظه، هر روز بیش از قبل به گستردگی این مسئله و نیاز بیشتر به مطالعه پیرامون آن پی برده است و هر روز بیشتر از قبل به ناکافی بودن مطالعات خود در این زمینه آگاهی یافته است. بنابراین این مطالعه را به عنوان فتح بابی برای مطالعات بعدی خود یا دیگر دانشجویانی که علاقه‌مند به مطالعه درباره‌ی این موضوع هستند، سودمند می‌داند. اگر چه غزالی و *تهافت* او موضوع کتب، رسالات و مقالات دیگری نیز بوده‌اند؛ ولی به نظر می‌رسد هنوز جا دارد که در این موضوع مطالعات بیشتری صورت گیرد، به ویژه اینکه نگارنده‌ی این رساله سعی کرده از هیچ یک از طرفین (غزالی و فلاسفه) بی‌دلیل جانبداری نکند و هر مطلبی که در زمینه‌ی مربوط به تحقیق، له یا علیه هر کدام از آنها بیاید را بیان کند.

## ۲. تعریف مسأله و بیان سؤال‌های اصلی تحقیق

غزالی در کتاب *تهافت الفلاسفه* در بیست مسئله آرای فیلسوفان را نقد و در سه مسئله (یعنی قدم زمانی عالم، علم خداوند به جزئیات و معاد جسمانی) آنان را تکفیر می‌کند. از آنجا که او ارسطو را پیشوای فیلسوفان و فارابی و ابن سینا را دقیق‌ترین مترجمان ارسطو می‌شناسد، به انتقاد از فارابی و ابن سینا می‌پردازد. به طوری که در موارد متعدد از کتب ابن سینا نقل قول می‌کند و روی سخنش همواره با این دو حکیم است. با توجه به جایگاه و اهمیت ابن سینا در فلسفه‌ی اسلامی و با توجه به اهمیت بحث و شهرت خود غزالی، در طول تاریخ فلسفه نقدها و مدافعاتی له و علیه هر دو طرف صورت گرفته است. در این تحقیق دلایل غزالی در تکفیر ابن سینا را تحلیل و نقد می‌کنیم و به تبع آن درستی یا نادرستی اندیشه‌های ابن سینا را بررسی و تحلیل می‌نماییم.

در این بررسی پرسش اصلی ما این است که: آیا غزالی در جریان تکفیر فلاسفه مصیب بوده است یا مخطی؟ برای پاسخ دادن به این پرسش لازم است آن را به پرسش‌های جزئی‌تری مانند پرسش‌های زیر فروکاهیم:

۱. آیا اعتقاد ابن سینا در باب قدم زمانی عالم، انکار ضروری دین است؟

۲. آیا ابن سینا علم خداوند به امور جزئی را انکار کرده است؟

۳. آیا ابن سینا حقیقتاً منکر معاد جسمانی است؟

۴. غزالی مرز ایمان را چه می‌داند و از دیدگاه او در چه صورت شخص از دایره‌ی ایمان خارج می‌شود؟

۵. به تعبیر دیگر اگر غزالی ملاک خروج از ایمان را انکار ضروری دین می‌داند، از نظر او ضروری دین چیست؟

۳. سابقه و ضرورت انجام تحقیق

سابقه:

درباره‌ی آرا و انتقادات غزالی در *تهافت* تا کنون کارهای متعددی صورت گرفته است که مشهورترین آنها نقد ابن رشد به نام *تهافت التهافت* و کتاب *خواجه زاده و اخیراً نقدی بر تهافت* استاد آشتیانی است. برخی از دانشجویان نیز در رساله‌های خود متعرض زوایایی از آرای او در *تهافت* شده‌اند که از آن جمله آثار زیر به موضوع مورد نظر ما نزدیک‌تر است:

. بررسی تطبیقی آرای امام محمد غزالی و توماس آکوئیناس در باب ایمان، لاله حقیقت، استاد راهنما:

قاسم کاکائی، دوره‌ی دکتری، دانشگاه قم، ۱۳۸۳.

. رابطه‌ی ایمان و عقلانیت از دیدگاه پاسکال و غزالی، فهیمه بیگ، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد)،

دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.

. عقل و ایمان از نظر غزالی، مولوی و علامه طباطبایی، سلیمان حبیبی، استاد راهنما: علی اله بدشتی،

پایان‌نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه قم، ۱۳۸۵.

. علم الهی از منظر فلسفه و کلام (بررسی موردی دو نظریه‌ی رقیب ابن سینا و صدرالمآلهین و دیدگاه

غزالی)، میثم اکبر زاده، استاد راهنما: بیوک علیزاده، پایان‌نامه (کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق

(ع)، ۱۳۸۲.

از میان پایان‌نامه‌های مذکور، مورد اول به موضوع تحقیق ما نزدیک‌تر است. در چند بخش کوتاه از

یکی از فصول این رساله، درباره‌ی حقیقت ایمان و کفر از نظر غزالی و دیدگاه او درباره‌ی تکفیر شخص

بحث شده است. نویسنده‌ی رساله‌ی سوم دیدگاه غزالی درباره‌ی ایمان و رابطه‌ی آن با عقلانیت و

مخالفت او با عقل فلسفی و تابعیت احکام عقل نسبت به احکام دینی را مورد بررسی قرار داده است. این

اثر قرابت چندانی با تحقیق ما ندارد. نگارنده‌ی رساله‌ی چهارم، دیدگاه ابن سینا درباره‌ی علم خداوند به

ذات و غیر و فروع این دو مسئله را تحلیل و بررسی کرده و در فصل پایانی اثر خود، آرای غزالی در مسئله‌ی علم خداوند و انتقادات او به نظریه‌ی فلاسفه درباره‌ی علم خداوند و استدلالهای آنها را تحلیل و تبیین کرده است. در بخشی از فصل دوم رساله‌ی حاضر به این مسئله پرداخته‌ایم.

دسترسی به رساله‌ی دوم مقدور نبود. ولی، آنگونه که از عنوان آن پیداست، به نظر می‌رسد که همچون رساله‌ی سوم دیدگاه غزالی درباره‌ی ایمان و رابطه‌ی آن با عقلانیت را بررسی می‌کند.

اگر چه هر یک از این تحقیقات، کم و بیش، از جهاتی به تحقیق ما شباهتی دارند؛ اما مسئله‌ی هیچکدام از آنها مصیب یا مخطی بودن غزالی در تکفیر فلاسفه نیست. با این وصف به نظر می‌رسد می‌توان این مسأله را مورد بررسی و تحلیل و نقد مجدد قرار داد، به گونه‌ای که تکرار کار دیگران نباشد و متضمن نکات و فوایدی نو باشد.

ضرورت:

از آنجا که نقدهای غزالی عمدتاً از موضع کلامی اشاعره است و این نگرش در دوره‌هایی از تاریخ سیطره‌ی غیر قابل انکاری بر اذهان مسلمانان داشته و هنوز هم کم و بیش دارد، لازم است دانشجویان رشته‌ی فلسفه و کلام و طلاب علوم دینی این مسائل را از موضعی غیرمغرضانه بررسی کنند و موضع مناسبی اتخاذ نمایند. این تحقیق می‌تواند در ارائه‌ی این دیدگاه سودمند باشد.

#### ۴. فرضیه‌ها

. غزالی در جریان تکفیر فلاسفه مخطی بوده است.

. اعتقاد ابن سینا در باب قدم زمانی عالم انکار ضروری دین نیست.

. ابن سینا علم خداوند به امور جزئی را انکار نکرده است.



. ابن سینا منکر معاد جسمانی نیست و در بعضی از آثار خود تعبداً آن را پذیرفته است.  
. از نظر غزالی تکذیب سخن پیامبر در آنچه از طرف خدا آورده کفر و انکار ضروری دین است. او  
قول به قدم عالم، نفی علم خداوند به جزئیات و انکار معاد جسمانی را مصادیق تکذیب رسول و انکار  
ضروری دین و بنابراین قائل به آن را مستوجب تکفیر می‌داند.

## ۵. اهداف تحقیق

. روشن شدن این مطلب که آیا غزالی در نقد مسائل سه‌گانه‌ی مذکور و دلایل فیلسوفان در اثبات آنها  
و نیز در تکفیر فیلسوفان (مشخصاً ابن سینا) محق بوده است یا نه و اینکه آیا آرای خود غزالی یا لوازمات  
آرای او به آنچه جواز تکفیر فیلسوفان می‌داند، می‌انجامد یا نه.  
. روشن شدن این نکته که غزالی تا چه اندازه به عمق نظریات ابن سینا پی برده است.

## ۶. جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری طرح

نوآوری در این بررسی به نو بودن تحلیل و نقد ما برمی‌گردد و نه نو بودن مسأله. شاید این وصف حال  
اکثر مباحث فلسفی باشد. گذشته از آن که بیشتر کارهای انجام شده به قصد دفاع از یک موضع یا نفی و  
رد موضع دیگر صورت گرفته است. ما برآنیم که می‌توانیم درباره‌ی آرای غزالی و ابن سینا بدون  
جانبداری پیشین از شخص خاصی از این دو تن بررسی و تحلیل و نقد خود را به انجام رسانیم.

## ۷. روش انجام تحقیق

ابتدا مطالعه‌ی احوال و اندیشه‌های غزالی و ابن سینا و سپس داوری میان آنها با استفاده از نقدهایی که بر نظریات آنها وارد شده است. این کار با مراجعه به کتب این دو متفکر و شارحان یا منتقدان آنها و همچنین جستجوی مقالات مربوطه در نشریات و پایگاه‌های معتبر انجام شده است. برای فهم بهتر جوانب و زوایای موضوع تحقیق، کتابها و مقالاتی که در آنها، بی‌آنکه آرای غزالی یا ابن سینا مورد نظر باشند، به مسائل سه‌گانه‌ی مورد بحث در تحقیق پرداخته شده نیز مطالعه شده است. این کار امکان تحلیل و سنجش دقیقتر آرا و نظرات ابن سینا و غزالی را برای نگارنده فراهم کرده است.

## فصل دوم

### اختلاف غزالی با ابن سینا در مسائل سه گانه

#### ۱. اختلاف غزالی با ابن سینا در قدم عالم

##### ۱-۱. مقدمه

مسئله‌ی قدم یا حدوث عالم یکی از مهمترین مسائلی است که از دیرباز ذهن فلاسفه و متکلمین را به خود مشغول داشته است. ارسطو کار فاعل را خارج کردن از قوه به فعل می‌داند. از نظر او خداوند فاعل وجود نیست و چیزی را از عدم خلق نمی‌کند، بلکه تنها محرک عالم است. او عالم را قدیم و نامخلوق می‌داند. اما فلوطین در این مسئله نظری کاملاً متفاوت ارائه می‌کند. از دیدگاه او جهان از ازل به نحو ضروری و بالطبع از خداوند صادر و فائض شده است؛ همانگونه که نور از خورشید صادر می‌شود. فارابی نیز تحت تأثیر فلوطین قائل به فیض است. او عالم را صادر و فائض از ذات حق، و حق را فاعل آن می‌داند. از نظر فارابی ماسوی به صورت یک نظام طولی، و به علم و اراده‌ی خداوند از آن ذات صادر می‌شوند. اما متکلمین قدم عالم را با فاعلیت خداوند در تناقض دیدند، بنابراین قدم عالم را انکار کردند. از نظر آنها عالم اگر مخلوق و فعل خداوند است، باید حادث باشد و عدم آن بر وجودش سبقت داشته باشد. آرای فارابی در مسئله‌ی فیض، تأثیر زیادی در نظریه‌ی فیض ابن سینا داشت. مباحث فارابی دیدگاهی جامع و روشمند، که از فلسفه‌های دیگر متمایز باشد، را تشکیل نمی‌داد، و ابهامات و نارسایی‌هایی در آن

وجود داشت. ابن سینا کوشید ابهامات و نارسایی‌های نظریات فارابی در مسئله‌ی فیض را برطرف کند و یک نظریه‌ی جامع فلسفی و منفک از فلسفه‌ی ارسطو و فلوطین ارائه دهد. (امامی جمعه، «نارسایی‌های نظریه‌ی فیض در...»، نشریه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۵۶، ۹)

در این قسمت بعد از گزارش نظر ابن سینا در مسئله‌ی قدم عالم، انتقادات غزالی بر این نظریه و دلایل اثبات آن را بیان می‌کنیم.

## ۱-۲. دیدگاه ابن سینا درباره‌ی قدم عالم

ابن سینا عالم را قدیم و در عین حال معلول و مفعول خداوند و صادر و فائض از ذات او می‌داند. او برای تبیین دیدگاه خود درباره‌ی قدم عالم، ابتدا به بررسی ملاک نیازمندی معلول به علت می‌پردازد. اهمیت مسئله‌ی ملاک نیاز معلول به علت برای ابن سینا در این است که با تبیینی که او از ملاک نیاز ارائه می‌دهد، اعتقاد به قدم زمانی عالم مستلزم بی‌نیازی آن از علت نیست.

ابن سینا ابتدا به این مسأله می‌پردازد که علت چه چیزی را به معلول افاده می‌کند و به تعبیر دیگر

متعلق تأثیر فاعل چیست؟

او در کتابهای متعددی از جمله *الهیات شفا، اشارات، تعلیقات و نجات* به این دو پرسش پاسخ می‌دهد و به تبیین مبنای خود می‌پردازد. شیخ در *اشارات* بیان می‌کند که اگر «موجود بعد از عدم» را، که معنای مشترک میان حادث و ممکن است، به اجزای آن تحلیل کنیم، سه جزء به دست می‌آوریم: وجود، وجود بعد از عدم و عدم. علت حقیقی احتیاج مفعول به فاعل و معلول به علت وجود است، زیرا عدم چیزی نیست که فعل فاعل به آن تعلق گیرد، وجود بعد از عدم نیز صفت وجود است. بنابراین متعلق حقیقی نیاز به فاعل، وجود مفعول است. حال، وجود مفعول یا از این جهت که واجب نیست به فاعل